



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام ابوطالب علیه السلام ، عبد مناف است . . . و گفته شده که نامش عمران می باشد^۱ و این روایتی است ضعیف . . . و گفته شده کنیه و نام یکی است . . . و صحیح این است که نام ایشان عبد مناف است و توصیه پدرش عبدالمطلب علیه السلام . . . گویای این مطلب است آنجا که فرمود : اوصیک یا عبد مناف بعدی بواحد بعد ائیه فرد^۲ و پدر ایشان ، عبدالمطلب علیه السلام و مادرش فاطمه دختر عمرو مخزومیه می باشد^۳.

نسب ابوطالب علیه السلام

ابوطالب عبد مناف بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن

^۱ . مقدس اردبیلی : اسم ابی طالب علیه السلام عبد مناف است . . . و چون پسر اول عبدمناف طالب نام داشت به ابی طالب شهرت

یافت . . . و شیخ علیه الرحمه و بعضی دیگر از علما گفته اند که نام ابوطالب عمران بود . حدیقة الشیعة اصل ۲ ص ۸

س : نام پدر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چیست ؟

ج : نام پدر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عمران و کنیه شان ابوطالب است .

دیدگاه های علمی آیت الله سید محمد هادی میلانی ص ۲۱۸ و ۲۱۹ س ۸

^۲ . علامه مجلسی رحمته ، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۳۸ .

^۳ . برگرفته از حیوة القلوب ج ۳ باب ۱ فصل ۵ ص ۷۵ .

^۴ . و مشهور آن است که وفات جناب ابوطالب علیه السلام در سال دهم نبوت بود و بعد از سی و پنج روز یا سه روز از وفات

ابوطالب علیه السلام جناب خدیجه علیها السلام به عالم قدس ارتحال نمود . . . وفات ابوطالب علیه السلام در بیست و ششم ماه رجب بود .

حیوة القلوب ج ۳ باب ۲۶ ص ۸۰۰ و ۸۰۱

این بزرگوار در مکه معظمه سی و پنج سال پیش از تولد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد .

ابوطالب علیه السلام یگانه مدافع اسلام مؤمن قریش ص ۲۱



مرّة بن كعب بن لوى بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان عليه السلام .^۵

پیروان شریعت ابراهیم علیه السلام

﴿ آباء و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله پیروان شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام بودند.﴾

﴿ امیرالمؤمنین علیه السلام : به خدا سوگند پدرم ابوطالب و اجدادم عبدالمطلب و هاشم و عبد مناف علیهم السلام هرگز بتی را نپرستیدند ، شخصی پرسید : پس آنها چه چیزی را عبادت می کردند ؟ فرمود : آنان به طرف کعبه مطابق آیین ابراهیم خلیل علیه السلام نماز می خواندند و به همین آیین معتقد بودند.﴾^۷

آتش بر ابوطالب علیه السلام حرام است

﴿ امام صادق علیه السلام : جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : ای محمد ، پروردگارت تو را سلام می رساند و می فرماید : من آتش را حرام کردم بر صلبی که تو از آن خارج شدی و بر رحمی که تو را حمل کرد و بر دامن و آغوشی که تو را سرپرستی کرد ، منظور از این صلب ، صلب پدرت عبدالله است و منظور از

^۵ . إيمان أبي طالب (الحجة على الذاهب إلى تكفير أبي طالب عليه السلام) فصل ۱ ص ۶۴ .

^۶ . آیت الله تبریزی : آباء النبی صلی الله علیه و آله و اجداده كانوا على دين إبراهيم عليه السلام . صراط النجاة ج ۹ ص ۲۵

^۷ . العلوی علیه السلام : والله ما عبد أبي ولا جدّي عبدالمطلب ولا هاشم ولا عبد مناف صنماً قطّ ، قيل له : فما كانوا يعبدون ؟ قال :



این رحم ، رحم مادرت آمنه است و منظور از این آغوش ، آغوش ابوطالب است که تو را سرپرستی کرد.^۸

ایمان ابوطالب ع

کھ لیث مرادی می گوید به امام صادق ع عرض کردم : آقای من ، مردم می گویند : ابوطالب در قسمتی از جهنم است که آتش آن جا قدم‌ها را در برمی گیرد و از شدت حرارت مغز ایشان به جوش می آید .

حضرت فرمودند : به خدا سوگند آنها دروغ می گویند ، اگر ایمان ابوطالب ع در یک کفه میزان قرار داده شود و ایمان این مردم در کفه دیگر ، ایمان ابوطالب ع بر ایمان آنان رجحان و برتری می یابد . سپس فرمودند :

به خدا سوگند علی ع امر می کرد که به نیابت از پدر رسول خدا ص عبدالله و مادر رسول خدا ص آمنه و پدرش ابوطالب ، ع حج بجا آورند و در وصیت خود نیز توصیه کرد که پس از مرگش این نیابت را انجام دهند.^۹

^۸ . الصادق ع : نزل جبرئیل ع علی النبی ص فقال : یا محمد إن ربک یقرئک السلام و یقول : إني قد حرمت النار علی صلب أنزلک و بطن حملک و حجر کفک . فالصلب صلب أبيک عبدالله بن عبدالمطلب و البطن الذی حملک فأمّنة بنت وهب و أمّا حجر کفک فحجر أبي طالب . کافی ج ۱ باب مولدالنبي ص و وفاته ص ۴۴۶ ح ۲۱

^۹ . عن لیث المرادی قال : قلت لابی عبدالله ع : سیدی إن الناس یقولون : إن اباطالب فی ضحضاح من نار یغلی منه دماغه . فقال ع کذبوا والله . إن إیمان أبي طالب لو وضع فی کفة میزان و إیمان هذا الخلق فی کفة میزان لرجح إیمان ابی طالب علی إیمانهم ، ثم قال : کان والله امیرالمؤمنین یأمر أن یحجّ عن أب النبی و أمه و عن أبي طالب فی حیاته ، ولقد أوصی



تأیید نبوت پیامبر ﷺ

که امام صادق علیه السلام : هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمدند فاطمه بنت اسد نزد ابوطالب علیه السلام آمد و به او تولّد پیامبر صلی الله علیه و آله را بشارت داد .

حضرت ابوطالب علیه السلام به او فرمود : به اندازه یک سبت صبر نما ، تو را به فرزندی همانند او بشارت می دهم با این فرق که فرزندان نبی و پیامبر نیست .

سپس امام فرمود : سبت یعنی سی سال ، و بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام سی سال فاصله بود^{۱۱} .

بیان ایمان به زبان های مختلف

که ابوذر غفاری می فرماید : قسم به خدائی که خدایی جز او نیست ، ابوطالب قبل از رحلتش به زبان حبشی ایمان خود را اظهار کرد^{۱۲} و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : زبان اهل حبشه را می دانی ؟ حضرت فرمود : ای عمو خداوند همه زبان ها را به من

فی وصیته بالحج عنهم بعد مماته . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۲ ح ۴۴

^{۱۰} . روشن است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام امر نمی کنند که به نیابت از کافری حج به جا آورند .

^{۱۱} . عن ابی عبدالله علیه السلام : إن فاطمة بنت أسد علیها السلام جاءت إلى أبی طالب علیه السلام لتبشّره بمولد النبی صلی الله علیه و آله فقال أبو طالب علیه السلام :

إصبری سبتاً أبشرك بمثله إلا النبوة . وقال : السبت ثلاثون سنة ، و كان بین رسول الله صلی الله علیه و آله و أميرالمؤمنین

علیه السلام ثلاثون سنة . کافی ج ۱ باب مولد امیرالمؤمنین ص ۴۵۲ و ۴۵۳ ح ۱

^{۱۲} . علامه مجلسی رحمته الله : در این ماجرا ابوطالب علیه السلام به خاطر بعضی از مصالح با زبان حبشی ایمانش را اظهار نموده است و

این منافات ندارد که حضرتش در مکان های دیگر به زبان دیگر اظهار اسلام کرده باشد .

بحارالانوار ج ۳۵ ص ۷۸ ذیل ح ۱۸



آموخته است . ابوطالب گفت : ای محمد (اسدن لمصافا قاطالاهما) یعنی خالصانه به لاله‌الاله شهادت می‌دهم . پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و فرمود : خداوند چشم مرا به ابوطالب رضی الله عنه روشن نمود^{۱۳} .

که امام صادق رضی الله عنه : حضرت ابوطالب به جُمَل زبان‌ها ، اسلام خود را اعلام نمود ، به هر زبانی بیان کرد^{۱۴} . و در روایت دیگر حضرت با انگشتان دست ، به ۶۳ زبان اشاره کردند^{۱۵} .

تحویل وصایای انبیاء صلی الله علیهم و آله و سلم

که راوی از امام کاظم رضی الله عنه پرسید : آیا ابوطالب بر رسول خدا صلی الله علیه و آله حجت (امام) بود ؟ حضرت فرمود : خیر ، ولی وصیت‌های انبیاء صلی الله علیهم و آله و سلم نزد ابوطالب به امانت گذاشته شده بود . راوی پرسید : آیا تحویل دادن وصیت‌های انبیاء به پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای حجت (امام) بودن ابوطالب بر پیامبر است ؟ حضرت پاسخ دادند : اگر

^{۱۳} . عن أبي ذر الغفاري أنه قال : والله الذي لا اله الا هو ما مات أبو طالب حتى أسلم بلسان الحبشة قال لرسول الله صلی الله علیه و آله :

أتفقته الحبشة ؟ قال : يا عم إن الله علمني جميع الكلام ، قال : يا محمد اسدن لمصافاً قاطالاهما يعني أشهد مخلصاً : لاله الا

الله فبكي رسول الله صلی الله علیه و آله و قال : إن الله أقر عيني بأبي طالب . الغدير ج ۷ ص ۳۹۸ ح ۳۶

✓ ... يمكن حمل هذا الخبر على أنه أظهر إسلامه في بعض المواطن لبعض المصالح بتلك اللغة ، فلا ينافي كونه أظهر

الإسلام بلغة أخرى أيضاً في مواطن آخر . بحار الانوار ج ۲۵ ص ۷۸ ح ۱۸

^{۱۴} . عن أبي عبدالله رضی الله عنه قال : إن أباطالب رضی الله عنه أسلم بحساب الجُمَل ، قال بكل لسان .

كافي ج ۱ باب مولد النبي صلی الله علیه و آله و وفاته ص ۴۴۹ ح ۳۲

^{۱۵} . عن أبي عبدالله رضی الله عنه قال : أسلم أبو طالب رضی الله عنه بحساب الجُمَل ، و عقد بيده ثلاثاً و ستين .

كافي ج ۱ باب مولد النبي صلی الله علیه و آله و وفاته ص ۴۴۹ ح ۳۳



ابوطالب بر پیامبر حجت می بود ، وصیت های انبیاء را به ایشان تحویل نمی داد .
راوی پرسید : حال ابوطالب چگونه بود ؟ حضرت فرمودند : ابوطالب قبل از
رحلتش ، به نبوت پیامبر ﷺ و به آنچه که آورده (علناً) اقرار نمود و وصیت ها
را به ایشان تحویل داد^{۱۶} .

آخرین وصی

کے فردی از امیرالمؤمنین ﷺ پرسید : آخرین شخص از اوصیاء قبل از پیامبر ﷺ چه
کسی بود ؟ حضرت فرمود : پدرم^{۱۷} .

همنشین انبیاء ، صدیقین ، شهدا و صالحین

کے راوی می گوید : امام صادق ﷺ به من فرمود : مردم درباره ابوطالب ﷺ چه
می گویند ؟ عرض کردم قربانت گردم می گویند : او در قسمتی از جهنم است که
آتش آن جا قدم ها را در برمی گیرد و از شدت حرارت مغز ایشان به جوش می آید ،
حضرت فرمود : دشمنان خدا دروغ می گویند ، ابوطالب ﷺ از رفقای پیامبران و

^{۱۶} . عن درست بن ابی منصور ، أنه سأل أبا الحسن الأول ﷺ : أكان رسول الله ﷺ محجوجاً بأبي طالب ؟ فقال ﷺ : لا و
لكنه كان مستودعاً للوصايا فدفعها إليه ﷺ قال : قلت : فدفع إليه الوصايا على أنه محجوج به ؟ فقال : لو كان محجوجاً
به ما دفع إليه الوصية ، قال : فقلت : فما كان حال أبي طالب ؟ قال : أقر بالنبى و بما جاء به و دفع اليه الوصايا و مات من
يومه .
كافى ج ۱ باب مولد النبى و وفاته ص ۴۴۵ ح ۱۸

☑ علامه مجلسی در کتاب اربعین ح ۱۷ ص ۱۹۴ این حدیث را ذکر کرده و آن را شرح داده است .

^{۱۷} . روی آن امیرالمؤمنین ﷺ قیل له : من كان آخر الاوصياء قبل النبى ﷺ ؟ فقال أبى .
الغدیر ج ۷ ص ۳۸۹ ح ۱۴



صدیقین و شهدا و صالحان است ، اینان نیکو رفیقانی هستند^{۱۸}.

نور ابوطالب علیه السلام در عرش

که جابر بن عبدالله انصاری گوید : از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ولادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال کردم ، حضرت آن را شرح می داد تا آن که سخن از ابوطالب به میان آمد ، گفتم : الله اکبر مردم می گویند ابوطالب ، کافر از دنیا رفت . فرمود : ای جابر خدا دانایتر به غیب است ، شبی که خداوند مرا (در معراج) به آسمان ها برد ، در کنار عرش چهار نور دیدم ، عرض کردم : خدایا این نورها چیست ؟ خداوند فرمود : اینها عبارتند از :

نور عبدالمطلب و ابوطالب عمویت و عبدالله پدرت و طالب برادرت^{۱۹}.

عرض کردم : خدایا اینان به چه علت به این مقام ارجمند رسیده اند ؟ فرمود : چون ایمان خود را پوشاندند و در ظاهر اظهار کفر کردند و در همین مسیر

^{۱۸} . عن ابی عبدالله علیه السلام قال : یا یونس ما یقول الناس فی ابی طالب ؟ قلت : جعلت فداک یقولون : هو فی ضحاح من نار یغلی منها أم رأسه . فقال : کذب أعداء الله ، إن أباطالب من رفقاء النبیین و الصّدّیقین و الشّهداء و الصّالحین و حسن اولئک رفیقاً .
الغدیر ج ۷ ص ۳۹۲ و ۳۹۳ ح ۲۲

^{۱۹} . ممکن است مراد از طالب برادر امیرالمؤمنین علیه السلام باشد به اعتبار این که پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل ابوطالب علیه السلام پرورش یافت و در عرف عرب آن زمان ، طالب به عنوان برادر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله به حساب می آمد . همان گونه که در روایت آمده است : پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه بنت اسد مادر خطاب می نمودند .



(تقيّه) استقامت ورزیدند تا از دنیا رفتند^{۲۰}.

همسر ابوطالب علیه السلام

کھ شخصی از امام سجاد علیه السلام پرسید : آیا ابوطالب با ایمان بود ؟ امام فرمودند : آری . در ادامه سؤال شد : عدّه‌ای گمان می‌کنند که او کافر بود ، حضرت فرمودند : عجباً ! آیا می‌خواهند به ابوطالب علیه السلام یا به رسول خدا صلی الله علیه و آله طعن بزنند ؟ ! در آیات متعدد قرآن ، خداوند از ازدواج زن با ایمان با مرد کافر نهی کرده است^{۲۱} ، احدی تردید و شک ندارد که فاطمه بنت اسد از زنان پاک و با ایمان بود ، و تا رحلت ابوطالب ، همسر وی بود^{۲۲}.

^{۲۰} . قال جابر : فقلت يا رسول الله ، الله اكبر !! الناس يقولون : إن أباطالب مات كافراً قال يا جابر : الله أعلم بالغيب ، إنه لما كانت الليلة التي أسرى بي فيها إلى السماء إنتهيت إلى العرش فرأيت أربعة أنوار فقلت : الهى ما هذه الانوار ؟ فقال : يا محمد هذا عبدالمطلب وهذا ابوطالب وهذا أبوك عبدالله ، وهذا أخوك طالب ، فقلت : الهى وسيدى فيما نالوا هذه الدرجة؟ قال : بكتمانهم الايمان و إظهارهم الكفر ، و صبرهم على ذلك حتى ماتوا . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۵ و ۱۶ قسمتى از ح ۱۲

^{۲۱} . نور ۳ : أَلزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ . بقره ۲۲۱ : وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ^۲ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ^۳ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا^۴ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ .

^{۲۲} . عن على بن الحسين علیه السلام أنه سئل عن أبي طالب أكان مومنًا ؟ فقال علیه السلام : نعم ، فقيل له : إن هاهنا قومًا يزعمون أنه كافر فقال علیه السلام واعجباً كلّ العجب ، أيطعنون على أبي طالب أو على رسول الله صلی الله علیه و آله ؟ و قد نهاه الله تعالى أن يقرّ مؤمنة مع كافر في غير آية من القرآن ، و لا يشكّ أحد أنّ فاطمة بنت اسد رضی الله عنها من المؤمنات السابقات ، فإنها لم تنزل تحت أبي طالب علیه السلام حتى مات أبوطالب رضی الله عنه .
الغدیر ج ۷ ص ۳۸۹ ح ۱۵

^{۲۳} . بنابراین ابوطالب مؤمن بوده ، چون همسرش مؤمنه بوده است .



نتیجه انکار ایمان ابوطالب علیه السلام

که راوی می گوید : به امام رضا علیه السلام نامه ای نوشتم که فدایت شوم ، همانا من در ایمان ابوطالب شک نموده ام حضرت جواب نامه را این چنین نوشتند : . . . و البته اگر تو ایمان ابوطالب را قبول نکنی ، راهی که می روی ، به سوی جهنم است ^{۲۴} .

ابوطالب علیه السلام همانند اصحاب کهف

که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید : مردم (اهل تسنن) گمان می کنند که ابوطالب در جهنم (ضحاح) است ، حضرت فرمود : دروغ می گویند ، هیچ گاه جبرئیل چنین خبری را برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیاورده است .

آن شخص پرسید : پس جبرئیل در این باره چه آورده ؟

حضرت فرمود : جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت : ای محمد ، پروردگارت سلام می رساند و می گوید : اصحاب کهف ، ایمان خود را پنهان داشتند و اظهار شرک نمودند ، خداوند پاداششان را دو برابر عنایت کرد ، ابوطالب نیز ایمان خود را پنهان داشت ، و اظهار شرک نمود (به خاطر حفظ مصالح اسلام و از روی تقیه) ، خداوند دو پاداش به او داد و هنوز از دنیا نرفته بود که از خداوند

^{۲۴} . کتب أبان بن محمود إلى علی بن موسی الرضا علیه السلام : جعلت فداک إنی قد شککت فی اسلام أبی طالب ، فکتب الیه : و

من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین . . . الآیة ، و بعدها إنک إن لم تقر بإیمان



بشارت بهشت به او داده شد . سپس فرمود : چگونه ابوطالب رضی اللہ عنہ را اهل آتش می‌پندارند در صورتی که در آن شبی که ابوطالب رضی اللہ عنہ از دنیا رفت ، جبرئیل به سوی پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم آمد و گفت : ای محمد ، ازمگه بیرون برو ، دیگر پس از ابوطالب یآوری در مکه نداری ^{۲۵}.

اظہار شرک و ایمان پنهانی

کے امام صادق رضی اللہ عنہ : مثل ابوطالب ، مثل اصحاب کھف است کہ ایمان خود را پنهان می‌داشتند و اظہار شرک می‌نمودند ، خداوند دو پاداش به آنان عنایت فرمود ^{۲۶}.

همانند مؤمن آل فرعون

کے امام عسکری رضی اللہ عنہ : خداوند تبارک و تعالیٰ به رسولش صلی اللہ علیہ و آله و سلم وحی نمود : همانا من تو را به دو گروه یاری کردم ، گروهی تو را به طور پنهانی یاری می‌نمایند و گروهی تو را آشکارا کمک می‌کنند .

^{۲۵} . قلت لابی عبدالله رضی اللہ عنہ : إن الناس یزعمون أن اباطالب فی ضحاح من نار ، فقال : کذبوا ، ما بهذا نزل جبرئیل علی النبی صلی اللہ علیہ و آله و سلم ، قلت : و بما نزل ؟ قال : أتى جبرئیل فی بعض ما کان علیہ فقال : یا محمد ، إن ربک یقرئک السلام ، و یقول لک : إن أصحاب الکھف أسروا الايمان ، و أظهروا الشرک فأتاهم الله أجرهم مرتین ، و إن أباطالب أسرا الايمان و أظھر الشرک فأتاه الله أجره مرتین و ما خرج من الدنيا حتی أتته البشارة من الله تعالیٰ بالجنة ، ثم قال : کیف یصفونه بهذا و قد نزل جبرائیل لیلۃ مات ابوطالب فقال : یا محمد أخرج من مکة فما لک بها ناصر بعد أبی طالب .

الغدیر ج ۷ ص ۳۹۰ ح ۱۷

^{۲۶} . عن ابی عبدالله رضی اللہ عنہ : إن مثل أبی طالب مثل أصحاب الکھف حین أسروا الايمان و أظهروا الشرک ، فأتاهم الله أجرهم



اما آنان که یاور تو در خفاء می باشند برترین و بهترین آنان عموی تو ابوطالب است و آنان که علناً تو را یاری می نمایند سرور و افضل آنان فرزند ابوطالب علی بن ابی طالب است .

سپس امام عسکری علیه السلام فرمودند : همانا ابوطالب علیه السلام مانند مؤمن آل فرعون ایمانش را پنهان می نمود^{۲۷} .

تقیّه شدید

امیرالمؤمنین علیه السلام : به خدا سوگند ابوطالب فرزند عبدالمطلب مؤمن و مسلمان بود ، ایمان خود را به خاطر ترسی که بر بنی هاشم داشت پنهان می کرد که مبادا قریش آن ها را ترک کند^{۲۸} .

امام صادق علیه السلام : همانا ابوطالب علیه السلام تظاهر به کفر می کرد و ایمان خود را پنهان می نمود . هنگامی که وفات یافت ، خداوند متعال به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی نمود : از مکه خارج شو که دیگر در مکه یآوری نداری ، در نتیجه پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه

^{۲۷} . الامام العسکری علیه السلام : إن الله تبارک و تعالی أوحی الی رسولہ صلی الله علیه و آله : إني قد أیدتک بشیعتین ، شیعة تنصرک سرأ و شیعة تنصرک علانية فأما التي تنصرک سرأ فسیدهم و أفضلهم عمک أبوطالب و أما التي تنصرک علانية فسیدهم و أفضلهم ابنه علی بن أبی طالب . ثم قال : و إن أباطالب کمؤمن آل فرعون یکتُم ایمانه . الغدير ج ۷ ص ۳۹۵ ح ۳۱

^{۲۸} . کان والله أبوطالب عبد مناف بن عبد المطلب مؤمناً مسلماً یکتُم ایمانه مخافة علی بنی هاشم أن تنابذها قریش .



هجرت نمود^{۲۹}.

مبارزه با مشرکین

که زمانی رسول الله ص به مسجد الحرام رفت ، لباسی خط دار به تن داشت ، مشرکین ، بچه دان شتری بر روی لباس حضرت انداختند و لباس حضرت را ملوث نمودند ، این حرکت بر پیامبر ص گران آمد ، به نزد ابوطالب ع رفت و فرمود : ای عمو ، شرافت و قرابت من را چگونه می بینی ؟ ابوطالب ع جواب داد : پسر برادرم ، چه شده ؟ حضرت ماجرای مسجد را توضیح داد .

ابوطالب ع حمزه را صدا زد و شمشیرش را برداشت و به حمزه فرمود : با خود بچه دانی بردار ، و به همراه پیامبر ص به طرف آن گروه راه افتادند ، نزد قریش که اطراف کعبه نشسته بودند آمد ، قریش تا چشمشان به ابوطالب ع افتاد ، شر را در صورتش دیدند ، حضرت ابوطالب ع به حمزه فرمود : بچه دان را به سبیل هایشان بمال . حمزه سبیل های آنان را تا آخرین نفر ملوث کرد ، حضرت ابوطالب ع به پیامبر ص عرض کرد : ای پسر برادرم ، شرافت و قرابت تو در نزد ما ، این است^{۳۰}.

^{۲۹} . عن ابی عبدالله ع قال : إنَّ أباطالبَ أظهر الكفر و أسرَّ الايمان فلما حضرته الوفاة أوحى الله عزَّوجلَّ إلى رسول الله

ص : أخرج منها فليس لك بها ناصر ، فهاجر إلى المدينة . الغدير ج ۷ ص ۳۹۱ ح ۲۱

^{۳۰} . عن أبی عبدالله ع قال : بینا النبی ص فی المسجد الحرام و علیه ثياب له جدد فألقى المشركون علیه سلا ناقة فملأوا



پیشگویی حضرت ابوطالب علیه السلام

کہ امام صادق علیہ السلام : زمانی کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ بہ دنیا آمد ، کاخ سفید فارس و قصرهای شام را بہ آمنہ علیہا السلام نشان دادند .

فاطمہ بنت اسد علیہا السلام مادر امیرالمؤمنین علیہ السلام ، جهت بشارت ، خندان بہ نزد ابوطالب علیہ السلام رفت و ابوطالب علیہ السلام را از سخنان آمنہ علیہا السلام آگاہ کرد . ابوطالب علیہ السلام فرمود : از این سخنان تعجب کردی ؟ تو نیز وصی او و وزیرش را بہ دنیا می آوری ^{۳۱} .

کفالت پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ

کہ فاطمہ بنت اسد علیہا السلام می فرماید : وقتی کہ هنگام احتضار عبدالمطلب علیہ السلام رسید بہ فرزندانش فرمود : چه کسی کفالت و سرپرستی محمد را بہ عہدہ می گیرد ؟ گفتند : او از ما زرنگ تر است بہ او بگوئید خودش انتخاب نماید .

ثیابہ بہا ، فدخلہ من ذلک ما شاء اللہ فذهب صلی اللہ علیہ وآلہ إلی أبی طالب علیہ السلام فقال لہ : یا عم : کیف تری حسبی فیکم ؟ فقال لہ : و ما ذاک یا ابن أخی ؟ فأخبرہ الخبر ، فدعا أبوطالب علیہ السلام حمزہ و أخذ السیف و قال لحمزہ : خذ السلا ، ثم توجہ إلی القوم و النبی صلی اللہ علیہ وآلہ معہ فأتی قریشاً و ہم حول الکعبہ ، فلما رأوه عرفوا الشرفی و وجہہ ، ثم قال لحمزہ : أمر السلا علی سبالہم ، ففعل ذلک حتی أتى علی آخرہم ، ثم التفت أبوطالب علیہ السلام إلی النبی صلی اللہ علیہ وآلہ فقال : یا ابن أخی هذا حسبی فینا .

کافی ج ۱ مولد النبی ص و وفاتہ ص ۴۴۹ ح ۳۰

^{۳۱} . عن المفضل بن عمر قال : سمعت أبا عبد اللہ علیہ السلام يقول : لما ولد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ فتح لآمنہ بیاض فارس و قصور الشام ، فجاءت فاطمہ بنت اسد أم امیرالمؤمنین إلی أبی طالب ضاحکة مستبشرة فأعلمته ما قالت آمنہ ، فقال لها أبوطالب علیہ السلام : و تتعجبین من هذا ؟ إنک تحلبین و تلدین بوصیہ و وزیرہ .

کافی ج ۱ باب مولد امیرالمؤمنین ع ص ۴۵۴ ح ۳



عبدالمطلب علیه السلام گفت : ای محمد ، جدّ تو به سفر قیامت می رود ، از میان عموها و عمّه‌هایت مایلی کدام یک ، سرپرستی تو را به عهده بگیرد ؟
حضرت به چهره‌های آنان دقّت کرده سپس به نزد ابوطالب علیه السلام حرکت نمودند .
حضرت عبدالمطلب فرمود : ای ابوطالب البته من به دیانت و امانت تو آگاهم ،
برای او آن چنان باش که من بودم .

فاطمه بنت اسد علیها السلام می‌فرماید : هنگامی که عبدالمطلب از دنیا رحلت نمود ،
سرپرستی او را ، ابوطالب به عهده گرفت ، و من به او خدمت می‌کردم و او مرا
مادر صدا می‌زد ، در باغ خانه ما چند درخت خرما وجود داشت و خرماهای آن
تازه رسیده بود ، و چهل نفر بچه ، از هم سن و سالان محمد هر روز به باغ نزد ما
می‌آمدند ، و آن‌چه خرما از درخت افتاده بود برمی‌داشتند ، هرگز ندیدم بچه‌ای در
برداشتن خرما سبقت گیرد و محمد از دست او خرما را بگیرد ، ولی بچه‌های دیگر
از دست یکدیگر خرما را چنگ زده ، می‌قاییدند .

من هر روز به اندازه دو کف دست و بیشتر از آن ، برایش خرما می‌چیدم و کنیزم
نیز این کار را انجام می‌داد . یک روز من و کنیزم فراموش نمودیم برای او چیزی
جمع نماییم ، و محمد خوابیده بود ، و بچه‌ها آمدند و هر چه خرما ریخته بود ،
جمع نموده و رفتند . و من به خاطر این‌که از محمد پس از بیدار شدن خجالت



می کشیدم ، دراز کشیده و آستینم را بر روی صورتم قرار دادم ، او بیدار شد و به باغ رفت و بر روی زمین هیچ خرمایی ندید و بازگشت ، کنیزم به او گفت : ما فراموش نمودیم چیزی جمع نماییم و بچه‌ها داخل شدند و هر چه روی زمین ریخته بود ، خوردند .

فاطمه بنت اسد رضی الله عنها در ادامه می گوید : محمد به سوی باغ بازگشت و به درخت خرمایی اشاره کرد و فرمود : ای درخت من گرسنه‌ام ، دیدم درخت شاخه‌های خود را که خرما داشت پایین آورد تا این که محمد به مقداری که می خواست از خرماهای آن خورد و سپس به محل اول خود بازگشته و بالا رفت . تعجب کردم ، ابوطالب رضی الله عنه از خانه خارج شده بود ، هر روز که به خانه باز می گشت و درب را می زد به کنیز می گفتم تا درب را باز نماید ، آن روز ابوطالب که درب را به صدا درآورد ، با پای برهنه به طرف او دویدم و درب را باز نموده و آنچه را دیده بودم تعریف کردم . ابوطالب رضی الله عنه فرمود : او مطمئناً پیامبر است و تو بعد نا امید از بارداری^{۳۲} برای او وزیری متولّد می نمایی و همچنان که ابوطالب گفته بود من علی را متولّد نمودم^{۳۳} .

^{۳۲} . در زمانی که زن استعداد باروری ندارد .

^{۳۳} . روی عن فاطمه بنت أسد رضی الله عنها أنه لما ظهرت أمارة وفاة عبدالمطلب رضی الله عنه قال لاولاده : من يكفل محمداً؟ قالوا هو أكيس منّا فقل له يختار لنفسه ، فقال عبدالمطلب رضی الله عنه : يا محمد ، جدك علي جناح السفر إلى القيامة ، أيّ عمومتك و

تأیید بت شکنی

کے زمانی کہ علی ؑ کو دکھی خردسال بود ، حضرت ابوطالب ؑ به همسرش فاطمه بنت اسد ؑ فرمود : علی را دیدم که بت‌ها را می‌شکند ، ترسیدم که بزرگان قریش از بت شکنی او آگاه شوند .

فاطمه بنت اسد ؑ در جواب فرمود : عجیب است ! و من قصه عجیب‌تری دارم ، هنگامی که علی در رحم من بود برای عبادت به خانه کعبه می‌رفتم ، از مکان بت‌های قریش که عبور می‌کردم ، علی دو پایش را به شدت در شکم می‌گذارد تا نتوانم به بت‌ها نزدیک شوم ، در حالی که فقط می‌خواستم برای عبادت خدا خانه را

عماتک ترید أن یکفک؟ فنظر فی وجوههم ثم زحف إلی عند أبی طالب ؑ فقال له عبدالمطلب ؑ : یا أباطالب إنی قد عرفت دیانتک و أمانتک ، فکن له کما کنت له ، قالت : فلما توقی أخذہ أبوطالب ؑ ، و کنت أخدمه و کان یدعونی الأم ، و قالت : و کان فی بستان دارنا نخلات و کان أول إدراک الرطب و کان أربعون صبیاً من أتراب محمد ؑ یدخلون علینا کل یوم فی البستان و یتلقطون ما یسقط ، فما رأیت قطّ محمداً يأخذ رطبة من ید صبی سبق الیها ، والآخرین یختلس بعضهم من بعض ، و کنت کلّ یوم ألتقط لمحمد ؑ حفنة فما فوقه ، و کذلک جاریتی . فاتفق یوماً أن نسیت أن ألتقط له شیئاً و نسیت جاریتی ، و کان محمد نائماً ، و دخل الصبیان و أخذوا کلّ ما سقط من الرطب و انصرفوا ، فمتمت فوضعت الکمّ علی وجهی حیاء من محمد إذا انتبه ، قالت : فانتبه محمد و دخل البستان فلم یر رطبة علی وجه الارض فانصرف فقالت له الجاریة : انا نسینا أن نلتقط شیئاً و الصبیان دخلوا و أكلوا جمیع ما کان قد سقط ، قالت : فانصرف محمد إلی البستان و أشار إلی نخلة و قال : أیتها الشجرة أنا جائع قالت : فرأیت الشجرة قد وضعت أغصانها التی علیها الرطب حتی أكل منها محمد ما أراد ، ثم ارتفعت إلی موضعها ، قالت فاطمة : فتعجبت ، و کان أبوطالب قد خرج من الدار ، و کلّ یوم إذا رجع و قرع الباب کنت أقول للجاریة حتی تفتح الباب ، فقرع أبوطالب فعدوت حافیة إلیه و فتحت الباب و حکیت له ما رأیت ، فقال : هو إنما ینبأ و أنت تلدین له وزیراً بعد یأس ، فولدت علیاً ؑ کما قال .



طواف کنم نه عبادت بت‌ها^{۳۴}.

☑ نکته : حضرت ابوطالب ع از بت شکنی فرزندش باکی نداشت بلکه از آگاه شدن سران مشرکین نگران بود . و هیچ اعتراضی هم به همسرش درباره بی‌اعتنایی به بت‌ها ندارد .

بلکه مادر من !

☞ هنگامی که فاطمه بنت اسد ع از دنیا رحلت نمود حضرت امیرالمؤمنین ع گریان نزد رسول خدا ص آمد . پیامبر ص فرمود : علت گریهات چیست ، خدا چشمت را گریان نکند ؟ حضرت گفتند : مادرم از دنیا رحلت نمود . رسول خدا ص فرمود : ای علی ، بلکه مادر من از دنیا رفت . بچه‌های خودش گرسنه بودند ولی مرا سیر می‌نمود ، و فرزندانش غبار آلود و ژولیده بودند ، مرا آغشته به روغن می‌نمود ، قسم به خدا در خانه ابوطالب درخت خرمایی بود در ابتدای صبح سریع تراز دیگران مبادرت به جمع‌آوری خرماها می‌نمود و هنگامی که پسرعموهایم از خانه خارج می‌شدند ، خرماها را به من می‌خورانید . . .^{۳۵}

^{۳۴} . روی أن أباطالب ع قال لفاطمة بنت أسد ع _ و كان علي ع صيباً _ رأيتك يكسر الأصنام فحفت أن يعلم كبار قریش ، فقالت : يا عجباً أخبرك بأعجب من هذا ، إني اجتزت بالموضع الذي كانت أصنامهم فيه منصوبة و عليّ في بطنی ، فوضع رجله في جوفی شديداً لا يتركنی أن أقرب من ذلك الموضع الذي فيه ، و إنما كنت أطوف بالبيت لعبادة الله لا للأصنام . بحار الانوار ج ۴۲ ص ۱۸ ح ۵ . الخرائج و الجرائح ج ۲ باب ۱۵ ص ۷۴۱ ح ۵۷

^{۳۵} . لما ماتت فاطمة بنت أسد أقبل علي بن أبي طالب ع باكياً فقال له النبي ص : ما يبكيك لا أبكي الله عينك ؟ قال :



عظمت ابوطالب ع

که علی ع در محله رحبه^{۳۶} نشسته بود ، مردی برخاست و به حضور علی ع آمد و گفت : ای امیرمؤمنان تو در چنین جایگاهی هستی و خدا چنین مقام و منزلتی به تو داده ولی پدرت در میان آتش در عذاب است .

حضرت فرمود : خاموش باش ، خدا دهانت را خرد کند ، سوگند به خدایی که محمد ص را به حق پیامبر قرار داد ، اگر پدرم از هر گناهکاری که در زمین است شفاعت کند خداوند شفاعتش را می پذیرد .

آیا پدرم در آتش است در حالی که فرزندش بهشت و جهنم را تقسیم می کند ؟ سوگند به خدایی که محمد ص را مبعوث به رسالت کرد ، نور ابوطالب تمام نورهای خلاق را (در روز رستاخیز) تحت الشعاع خود قرار می دهد ، به جز پنج نور که عبارتند از : نور محمد و فاطمه و حسن و حسین و نور ائمه از فرزندان حسین^{۳۷} . آگاه باشید نور ابوطالب از نور ما است که خداوند آن را دو هزار سال

توقیت والدتی یا رسول الله فقال له النبي ص : بل و والدتی یا علی فلقد كانت تجوع اولادها و تشبعنی و تشعت اولادها و تدهننی ، والله لقد كان فی دار ابي طالب نخلة فكانت تسابق اليها من الغداة لتلتقط ثم تجنيه رضی الله عنها و إذا خرجوا بنوعی تناولنی ذلك ... بحارالانوار ج ۳۵ باب سوم ص ۱۸۰

^{۳۶} . محلی از محله های کوفه یا محلی در مسجد اعظم کوفه .

^{۳۷} . ممکن است نام مبارک حضرت امیرالمؤمنین ع به دلایلی ذکر نشده باشد ، از جمله : الف . رعایت ادب در برابر

پدر ب . یکی بودن نور پیامبر ص و امیرالمؤمنین ع آن چنان که از روایات استفاده می شود و ...



قبل از خلقت آدم ﷺ آفریده است^{۳۸}.

ابوطالب ﷺ سبب استجابت دعا

داوود رقی می گوید : از مردی طلبکار بودم و می ترسیدم که نتوانم طلبم را از او بگیرم ، به نزد امام صادق ﷺ رفتم و این مطلب را با ایشان در میان گذاشتم ، حضرت فرمود : هرگاه مکه رفتی برای عبدالمطلب و ابوطالب و عبدالله و آمنه و فاطمة بنت اسد ، ﷺ ، هرکدام یک طواف انجام داده و دو رکعت نماز طواف هم بخوان ، سپس از خداوند متعال بخواه که مالت را به تو برگرداند .

داوود گفت من این دستور را عمل نمودم ، هنگامی که از باب صفا خارج شدم ، ناگهان چشمم به فرد بدهکار افتاد که ایستاده است و می گوید : داوود به نزد من بیا و حقت را بگیر^{۳۹} .

^{۳۸} . عن أمير المؤمنين ﷺ : أنه كان جالساً في الرحبة والناس حوله ، فقام إليه رجل فقال : يا أمير المؤمنين إنك بالمكان الذي أنزلك الله و أبوك معذب في النار ، فقال : مه فض الله فاك . والذي بعث محمداً بالحق نبياً لو شفع أبي في كل مذب على وجه الارض لشفعه الله فيهم ، أبي معذب في النار وابنه قسيم الجنة والنار؟! والذي بعث محمداً بالحق إن نور أبي طالب ليطفىء أنوار الخلائق إلا خمسة أنوار : نور محمد و نور فاطمة و نور الحسن و نور الحسين و نور ولده من الأئمة . ألا إن نوره من نورنا ، خلقه الله من قبل خلق آدم بألفي عام . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۰ ح ۳۹

^{۳۹} . عن داوود الرقي ، قال : دخلت على ابي عبدالله ﷺ و لي على رجل دين ، و قد خفت نواه ، فشكوت ذلك اليه ، فقال ﷺ : إذا مررت بمكة فطف عن عبدالمطلب طوافاً ، و صل عنه ركعتين ، و طف عن أبي طالب طوافاً و صل عنه ركعتين و طف عن عبدالله طوافاً و صل عنه ركعتين و طف عن آمنة طوافاً و صل عنها ركعتين و طف عن فاطمة بنت اسد طوافاً و صل عنها ركعتين ، ثم ادع الله عزوجل أن يرده عليك مالك ، قال ففعلت ذلك ثم خرجت من باب الصفا ، فاذا غريمي



معجزه‌های از ابوطالب ع

که هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شد چند روز بدون شیر ماند ، حضرت ابوطالب ع پستان خود را در دهان پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و خداوند در آن شیر جاری نمود و رسول الله صلی الله علیه و آله چند روزی از آن شیر آشامید تا این که ابوطالب ع حلیمه سعديه را پیدا نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله را به او تحویل داد .^{۴۰}

نهی از دوستی کفار

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءِآبَاءَكُمْ وَءِآخُونَكُمْ ءَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾^{۴۱}

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ ءَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِأَلْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ ﴾^{۴۲}

واقف يقول : يا داوود جئني هناك ، فاقبض حَقَّكَ . الغدير ج ۷ ص ۳۹۳ ح ۲۳

^{۴۰} . عن أبي عبدالله عليه السلام قال : لما ولد النبي صلی الله علیه و آله مكث أياماً ليس له لبن ، فألقاه أبوطالب ع على ثدي نفسه ، فأنزل الله فيه لبناً فرضع منه أياماً حتى وقع أبوطالب ع على حلیمة السعدية فدفعه إليها .

کافی ج ۱ مولد النبي ص و وفاته ص ۴۴۸ ح ۲۷

^{۴۱} . توبه ۲۳ : ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر پدران و برادران شما کفر را بر ایمان برگزیدند آنان را دوست خود قرار ندهید و کسی که آنان را دوست خود قرار دهد ظالم خواهد بود .

^{۴۲} . ممتحنه ۱ : ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، دشمن من و دشمن خودتان را دوست و یار خود قرار ندهید ، که شما دوستی و مودت را به آنها عرضه می‌نمایید در حالی که آنان به حقی که بر شما نازل شده کافر هستند ...



لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۴۳ .

محبت پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم به ابوطالب علیہ السلام

هنگامی که به رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم خبر دادند که ابوطالب از دنیا رفت ، بر قلب حضرت سنگینی نمود و بی تابی ایشان شدید شد ، کنار پیکرش حاضر شدند و چهار مرتبه طرف راست و سه مرتبه طرف چپ پیشانی ابوطالب علیہ السلام را دست کشیدند ، سپس فرمودند : ای عمو آن زمان که صغیر بودم ، پرورشم دادی و آن گاه که یتیم بودم مرا سرپرستی نمودی و در بزرگی ، یاورم بودی . خداوند از طرف من به تو جزای خیر دهد ۴۴ . ۴۵

۴۳ . مجادله ۲۲ : هرگز مردمی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده اند را چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول کنند هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران و یا خویشان آنها باشند ، اینان ایمان در قلبهایشان نوشته شده و با روحی الهی مؤید و منصور گردیده و به باغهایی داخل می شوند که نهرها از زیر آن جریان دارند ، خدا از آنان راضی و آنان از خدا راضی می باشند . اینان حزب الله هستند و . . .

۴۴ . لَمَّا قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم إِنَّ أَبَا طَالِبٍ قَدْ مَاتَ عَظُمَ ذَلِكَ فِي قَلْبِهِ وَاشْتَدَّ لَهُ جُزَعُهُ ثُمَّ دَخَلَ فَمَسَحَ جَبِينَهُ بِالْإِيمَانِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَجَبِينَهُ الْإِسْرَثَلَاتِ مَرَّاتٍ ، ثُمَّ قَالَ : يَا عَمُّ رَبِّيتِ صَغِيرًا ، وَكَفَلْتِ يَتِيمًا وَنَصَرْتِ كَبِيرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا . . .



که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم به عقیل بن ابی طالب فرمود : ای ابایزید ، من تو را دو چندان دوست دارم ، یک محبت به خاطر این که خویشاوند منی ، و محبت دیگر به دلیل این است که عمویم ابوطالب تو را دوست داشت ^{۴۶} .

☑ تئیه : از آیات مذکور چنین برمی آید که دوست داشتن و محبت کردن به کفار در احکام اسلامی حرام و مورد نهی صریح است و با توجه به آنچه در سیره پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نقل شده که حضرتش علاقه و محبت قلبی به ابوطالب رضی اللہ عنہ داشتند و این محبت و دوستی را نیز در موارد متعددی اظهار نموده اند ، به این نتیجه می رسیم که : ابوطالب رضی اللہ عنہ مؤمن به خداوند متعال و پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بوده است .

نهی از استغفار برای مشرکین

﴿ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۙ ﴾ ^{۴۷}

بعد از این که جهنمی بودن مشرکین ثابت شد ، برای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم و مؤمنان جایز

^{۴۵} . آیت الله تبریزی : لاشک فی ایمان ابی طالب رضی اللہ عنہ و قد حزن رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم علی عمه ابی طالب رضی اللہ عنہ عند وفاته و سمی

عام وفاته عام الأحران و هذا مجمع علیه عند المؤرخین من الفريقین و رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم لایحزن علی موت الکافر . . .

صراط النجاة ج ۹ ص ۲۶ س ۵۲

^{۴۶} . عن رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم إنه قال لعقیل بن ابی طالب : یا ابایزید ! انی أحبک حباً لقرابتک منی ، و حباً لما کنت أعلم

من حب عمی ابی طالب اتاک .

الغدیر ج ۷ ص ۳۷۵

^{۴۷} . توبه ۱۱۳



نیست که برای آنان استغفار کرده و طلب آمرزش نمایند اگر چه آن مشرکین خویشان آنها باشند .

که **امیرالمؤمنین** علیه السلام : خبر رحلت پدرم ابوطالب را به رسول خدا صلی الله علیه و آله دادم ، حضرت گریستند ، سپس فرمودند : برو و او را غسل داده و کفن نموده و دفن نما ، خداوند او را بیامرزد و او را مورد رحمت خود قرار دهد ^{۴۸} .

☑ از رهگذر آیه و روایتی که ذکر شد چنین به دست می آید که با توجه به منع و نهی آیه شریفه از استغفار و دعا برای کفار ، ابوطالب علیه السلام مسلمان و مؤمن بوده ، که مورد استغفار و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده است .

حکمت توصیه به خواندن ادعیه

که فرازی از زیارت ششم امیرالمؤمنین علیه السلام : **أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ** . گواهی و شهادت می دهم به این که تو عین پاکی و پاک و پاکیزه شده هستی ، و از پدری که عین پاکی و پاک و پاکیزه شده است ، می باشی ^{۴۹} .

☞ **آیت الله زنجانی** : بدبختی مولوی ^{۵۰} این است که ابوطالب علیه السلام را مشرک

^{۴۸} . عن علی علیه السلام قال : أخبرت رسول الله صلی الله علیه و آله بموت أبي طالب فبکی ثم قال : إذهب فاعسله و کفنه و واره غفر الله له و

رحمه .

الغدیر ج ۷ ص ۳۷۲

^{۴۹} . مفاتیح الجنان زیارت ششم امیرالمؤمنین علیه السلام ص ۵۸۴

^{۵۰} . جلال الدین محمد بلخی معروف به مولوی مؤلف کتاب مثنوی .



می‌داند^{۵۱}، بدبخت بیچاره می‌گوید که ابوطالب ع در جهنم کفش آهنی از آتش دارد. در حالی که حضرت ابوطالب ع معصومند.

کما این که در زیارت ششم امیرالمؤمنین ع می‌خوانیم: أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ.

بلکه این عبارت به نظر من بالاتر از عصمت را می‌رساند...

سپس معظمّ له به حالت شوخی فرمودند: مولوی حرف‌های خوبی دارد، کما این که چرچیل هم حرف‌های بسیار خوبی داشت و لابدّ بوش هم حرف‌های خوبی دارد^{۵۲}.

زیارت اربعین امام حسین ع

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا^{۵۳}.

ای پسر رسول خدا ص پدر و مادرم فدایت شوند، گواهی می‌دهم که تو نوری در صلب‌های بزرگ و ارجمند و رحم‌های پاک بودی، و پلیدی‌های جاهلیت تو را

^{۵۱} . جهت بررسی بعضی از انحرافات مولوی به پیام دین (حضرت ابوطالب ع ج ۳ و اشک ج ۳ و ۴) مراجعه فرمایید

و ابن عربی مؤلف فصوص و فتوحات نیز این اعتقاد را دارد و ابوطالب پدر امیرالمؤمنین ع را مشرک می‌داند که

در پیام دین (حضرت ابوطالب ع ج ۲) این مطلب و برخی دیگر از انحرافات ابن عربی بررسی گردیده است .

^{۵۲} . مجله مکتب وحی ص ۵۲ سال اول شماره سوم بهمن ۱۳۸۶

^{۵۳} . مفاتیح الجنان زیارت اربعین ص ۷۷۲ و تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۱۴ ح ۱۷ .



نیالود و جامه‌های درهم و برهمش را در برت نکرد .

☑ تذکر: أصلاب جمع صلب است لذا پدر و اجداد پدری و مادری امام حسین علیه السلام را شامل می‌شود . و حضرت ابوطالب علیه السلام نیز جد پدری امام حسین علیه السلام می‌باشند .

دوری از پلیدی شرک و کفر

☞ پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را هفت هزار سال پیش از خلقت دنیا آفرید ، تا آن‌که فرمود : سپس ما را در صلب آدم قرار داد ، بعد از آن ما را در صلب‌های پدران و رحم‌های مادران جایگزین نمود و هیچ‌گاه پلیدی شرک و زشتی کفر با ما تماس نگرفت ^{۵۴}.

☞ امام صادق علیه السلام: ... پس دائماً نور پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پاک و پاکیزه در صلب‌های پاک جریان داشتند تا این‌که در پاک‌ترین پاک‌ها ، در عبدالله و ابوطالب علیه السلام از یکدیگر جدا شدند ^{۵۵}.

اشعار ابوطالب علیه السلام

ابن ابی‌الحدید می‌گوید : شیعیان معتقدند : شعرهای ابوطالب علیه السلام بر اسلام او دلالت می‌نماید و در کلام بین عبارت منظوم (شعر) و منشور (نثر و روان) فرقی نیست

^{۵۴} . بحارالانوار ج ۱۵ ص ۷ ح ۷ .

^{۵۵} . عن ابی‌عبدالله علیه السلام : ... فلم یزالا یجریان طاهرین مطهرین فی الاصلاب الطاهرة حتی افترقا فی أطهر طاهرین فی

کافی ج ۱ باب مولد النبی صلی الله علیه و آله ص ۴۴۲ ح ۹

عبدالله و ابی‌طالب علیه السلام .



زمانی که اقرار به اسلام را در برداشته باشد^{۵۶}.

گفتار ابن شهر آشوب

اشعار ابوطالب که دلالت بر ایمان آن حضرت می‌کند افزون بر سه هزار بیت است ، حضرت ابوطالب علیه السلام در آن به صورت علنی و آشکار اعلام دشمنی می‌کند با هر کسی که پیامبر با او دشمن است و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید می‌نماید^{۵۷}.

☑ علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۵۹ تا ۱۶۸ و علامه امینی رحمته الله در کتاب الغدير ج ۷ ص ۳۳۱ تا ۳۶۶ ، ۳۹۱ تا ۴۰۰ برخی از اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام ، که بیانگر ایمان و اسلام اوست را ، بیان می‌نمایند .

اشعار مطابق با دین خدا

که امام صادق علیه السلام : امیرالمؤمنین علیه السلام نقل اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام و تدوین آن را دوست می‌داشت و می‌فرمود : شعرهای ابوطالب را یاد بگیرید و آن را به فرزندانان تعلیم دهید که همانا اشعار ابوطالب علیه السلام ، مطابق با دین خدا و حاوی علم بسیار است^{۵۸}.

^{۵۶} . بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۵۹

^{۵۷} . قال ابن شهر آشوب المازندرانی : إن أشعار أبي طالب الدالة على إيمانه تزيد على ثلاثة آلاف بيت ، يكشف فيها من

يُكاشف النبي صلی الله علیه و آله و يصحح نبوته . الغدير ج ۷ ص ۳۴۱ و ۳۴۲

^{۵۸} . كان امير المؤمنين علیه السلام يعجبه أن يروي شعر أبي طالب علیه السلام و أن يدون و قال : تعلموه و علموه أولادكم فإنه كان على

دين الله و فيه علم كثير . الغدير ج ۷ ص ۳۹۳ و ۳۹۴ ح ۲۵



کے شخصی به امام صادق ع عرض کرد : اهل سنت معتقدند که ابوطالب کافر بود ، امام ع فرمود : دروغ می گویند ، چگونه این مطلب درست است در حالی که ابوطالب چنین می گوید :

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا نَبِيًّا كَمُوسَى خُطِّ فِي أَوَّلِ الْكُتُبِ

آیا شما ندانستید که ما محمد ص را همانند موسی ع پیامبر یافتیم و نام او در کتاب‌های گذشته نوشته شده است ^{۵۹}.

انگشتر ابوطالب ع

امام رضا ع : نقش انگشتر ابوطالب این بود : رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِابْنِ أَخِي مُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِابْنِي عَلِيٍّ لَهُ وَصِيًّا ^{۶۰}.

علامه مجلسی رحمته

از مطالبی که شیعه امامیه در آن اختلافی ندارند این است که ابوطالب ع مؤمن از دنیا رفته است . بلکه از ابتدای امر به پیامبر ص ایمان آورده و هرگز بتی نپرستید و به خاطر این که بتواند رسول خدا ص را یاری نماید ایمان خود را پنهان می نمود و لذا دو برابر ، خداوند به او پاداش می دهد همچنان که در

^{۵۹} . عن اسحاق بن جعفر عن أبيه ع قال : قيل له : إنهم يزعمون أن أبا طالب كان كافراً ، فقال : كذبوا ، كيف يكون كافراً

و هو يقول : أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا . . . کافی ج ۱ مولد النبی و وفاته ص ۴۴۸ و ۴۴۹ ح ۲۹

^{۶۰} . به این که الله پروردگارم و پسر برادرم محمد پیامبر ، و پسر علی جانشین او باشد ، راضی هستم .

^{۶۱} . الغدير ج ۷ ص ۳۹۵ ح ۲۹ .

روایات آمده است .

و ظاهراً ابوطالب علیه السلام از اوصیاء انبیاء بوده و شهرت اسلام ابوطالب علیه السلام در مذهب شیعه امامیه به اندازه‌ای است که مخالفین شیعه نیز این مطلب را به آنان نسبت می‌دهند . روایات از شیعه و سنی درباره ایمان ابوطالب علیه السلام ، فراوان نقل شده است . و بسیاری از علما و محدثین ما کتاب‌هایی ویژه در این زمینه نوشته‌اند ^{۶۲} .

آیت الله تبریزی

☞ دلایل بر اسلام ابوطالب علیه السلام بسیار است . رسول خدا صلی الله علیه و آله سال وفات عمویش ابوطالب علیه السلام را ، عام الحزن ^{۶۳} نامید و بر او گریست . و در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ، ابوطالب علیه السلام یاور و پشتیبان او بود . کتاب‌های مستقلی درباره اثبات اسلام ابوطالب علیه السلام نوشته شده که سزاوار است مؤمن به برخی از آنها مراجعه نماید . و ایجاد شک در اسلام ابوطالب علیه السلام فقط

^{۶۲} . ذهب ابوطالب علیه السلام من الدنيا مؤمناً مما قد أجمعت الشيعة الإمامية عليه بل لا خلاف في أنه قد آمن بالنبي صلی الله علیه و آله في أول الأمر و لم يعبد صنماً قط و إنما كان إخفاء إيمانه لتمكينه من نصرته النبي صلی الله علیه و آله و لذا آتاه الله أجره مرتين كما ورد في الأخبار ، و الظاهر أنه كان من أوصياء إبراهيم علیه السلام و اشتهر اسلامه من مذهب الإمامية بحيث نسب المخالفون ذلك إليهم و توافرت الأخبار من طرق الخاصة والعامه في ذلك و صنف كثير من علمائنا و محدثينا كتباً مفردة في ذلك . . .

کتاب أربعين حديث ۱۷ ص ۱۸۹

^{۶۳} . سال حزن



به خاطر دشمنی با فرزندش علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد . اذیت و ناراحتی -
که به این امام عظیم مظلوم رسیده منحصر به همسر ، فرزندان و خودش
نمی شود بلکه حتی او را درباره پدرش نیز آزرده اند ، سلام خدا بر او باد و
لا حول و لا قوة إلا بالله ^{۶۴}.

نتیجه بحث

از مجموع آیات و روایات و بررسی اشعار و تاریخ زندگی حضرت ابوطالب علیه السلام
این مطلب آشکار و روشن می گردد که ایشان ، نه تنها مسلمان و مؤمن بوده اند
بلکه از مقربین و اوصیاء درگاه الهی و صاحب درجات و مقامات رفیع در آخرت
می باشند .

و البته دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام به جهت خاموش نمودن نور امامت ، نهایت سعی
خود را در تخریب شخصیت جلیل حضرت ابوطالب علیه السلام به کار بسته اند و پدر
امیرمؤمنان علیه السلام را کافر و غیر مسلمان معرفی می نمایند .

همچنین گروهی از به اصطلاح روشنفکران که با عقاید و مبانی و مدارک اسلامی

^{۶۴} . الأدلة على إسلام أبي طالب علیه السلام كثيرة ، فقد جعل رسول الله صلی الله علیه و آله عام وفاة عمه أبي طالب عام الحزن ، و بکی علیه
رسول الله صلی الله علیه و آله و هو علیه السلام كان الناصر له والعضد له في دعوته . و قد كتبت كتابات مستقلة في إثبات إسلامه ينبغي
للمؤمن أن يراجع بعضها ، و التشكيك في إسلامه ليس إلّا عداوة لولده علي بن أبي طالب علیه السلام ، فقد أودى هذا الإمام
العظيم المظلوم ليس في زوجته و ولده و نفسه بل حتى في أبيه سلام الله عليه ، فلا حول و لا قوة إلا بالله .



آشنایی کافی ندارند از روی جهالت با دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام هم‌نوا و هم‌آوا گردیده‌اند که در شماره‌های بعد به بررسی و تحقیق، پیرامون بعضی از شخصیت‌های منحرف^{۶۵} در این زمینه خواهیم پرداخت.

ادامه مطلب در پیام دین (حضرت ابوطالب ج ۲)

فهرست جلد ۱ تا ۴

- ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام جلد اول
- دیدگاه ابن عربی درباره حضرت ابوطالب علیه السلام جلد دوم
- دیدگاه مولوی درباره حضرت ابوطالب علیه السلام جلد سوم
- دیدگاه اهل سنت و شریعتی درباره حضرت ابوطالب علیه السلام جلد چهارم

^{۶۵} . ابن عربی و مولوی مؤلف مثنوی و جامی و علی شریعتی و ... از جمله اشخاص منحرفی هستند که معتقدند : حضرت ابوطالب علیه السلام مشرک و کافر می‌باشد و البته باید بدانیم که این ، اعتقاد اکثر اهل تسنن است ، که روایاتی جعلی در این زمینه نقل نموده‌اند .

انحرافات این اشخاص در پیام دین (حضرت ابوطالب علیه السلام ج ۲ و ۳ و ۴ و اشک ج ۲ و ۳ و ۴ و احکام قرآن ج ۲) بررسی می‌گردد .



فهرست جلد اول

- | | | | |
|----|--|----|--|
| ۱۳ | کفالت پیامبر <small>ص</small> | ۱ | نام ابوطالب <small>ع</small> |
| ۱۶ | تأیید بت شکنی | ۱ | نسب ابوطالب <small>ع</small> |
| ۱۷ | بلکه مادر من | ۲ | پیروان شریعت ابراهیم <small>ع</small> |
| ۱۸ | عظمت ابوطالب <small>ع</small> | ۲ | آتش بر ابوطالب <small>ع</small> حرام است |
| ۱۹ | ابوطالب <small>ع</small> سبب استجابت دعا | ۳ | ایمان ابوطالب <small>ع</small> |
| ۲۰ | معجزه‌ای از ابوطالب <small>ع</small> | ۴ | تأیید نبوت پیامبر <small>ص</small> |
| ۲۰ | نهی از دوستی با کفار | ۴ | بیان ایمان با زبان‌های مختلف |
| ۲۱ | محبت پیامبر <small>ص</small> به ابوطالب <small>ع</small> | ۵ | تحویل وصایای انبیاء <small>ع</small> |
| ۲۲ | نهی از استغفار برای مشرکین | ۶ | آخرین وصی |
| ۲۳ | حکمت توصیه به خواندن ادعیه | ۶ | همنشین انبیاء ، صدیقین ، شهدا و صالحین |
| ۲۴ | زیارت اربعین امام حسین <small>ع</small> | ۷ | نور ابوطالب <small>ع</small> در عرش |
| ۲۵ | دوری از پلیدی شرک و کفر | ۸ | همسر ابوطالب <small>ع</small> |
| ۲۵ | اشعار ابوطالب <small>ع</small> | ۹ | نتیجه انکار ایمان ابوطالب <small>ع</small> |
| ۲۶ | گفتار ابن شهر آشوب | ۹ | ابوطالب <small>ع</small> همانند اصحاب کهف |
| ۲۶ | اشعار مطابق با دین خدا | ۱۰ | اظهار شرک و ایمان پنهانی |
| ۲۷ | انگشتر ابوطالب <small>ع</small> | ۱۰ | همانند مؤمن آل فرعون |
| ۲۷ | علامه مجلسی <small>رحمته</small> | ۱۱ | تقیه شدید |
| ۲۸ | آیت الله تبریزی | ۱۲ | مبارزه با مشرکین |
| ۲۹ | نتیجه بحث | ۱۳ | پیشگویی حضرت ابوطالب <small>ع</small> |

منابع

- أربعين علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ
- الخرائج و الجرائح قطب الدین راوندی سعید بن ہبہ اللہ ، چاپ ۱۴۰۹ ق ، محقق و ناشر : مؤسسة الإمام المہدی علیہ السلام .
- الغدير ، علامه امینی رحمۃ اللہ علیہ دار الکتب الاسلامیہ چاپ دوم ۱۳۶۶ .
- ایمان ابي طالب معروف به الحجۃ علی الذاہب الی تکفیر ابي طالب ، ابي علی فخار بن معد موسوی با تحقیق سید محمد بحرالعلوم چاپ اول ۱۴۱۰ ق چاپخانہ امیر قم ، انتشارات سیدالشہداء علیہم السلام .
- بحار الانوار علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ ج ۱۵ چاپ سوم دارالکتب الاسلامیہ ۱۳۶۳ ش چاپ مروی .
- بحار الانوار علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ ج ۳۵ و ج ۴۲ چاپ سوم دارالکتب الاسلامیہ ۱۳۷۴ ش چاپخانہ خورشید .
- تہذیب الاحکام فی شرح المقنعۃ شیخ طوسی رحمۃ اللہ علیہ دارصعب و دارالتعارف للمطبوعات بیروت ۱۴۰۱ هـ . ق .
- حدیقة الشیعة مقدس اردبیلی چاپ دوم ۱۳۶۱ ش چاپخانہ سعدی انتشارات گلی .
- حیوة القلوب علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ ج ۳ چاپ ہفتم ۱۳۸۶ ش چاپ ستارہ انتشارات سرور .
- دیدگاہہای علمی آیت اللہ سیدمحمدہادی میلانی چاپ اول ۱۳۸۴ ش مؤسسہ چاپ آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشہای اسلامی .
- صراط النجاة آیت اللہ تبریزی ج ۹ چاپ اول ۱۳۸۴ ش چاپ شریعت نشر دارالصدیقة الشہیدہ علیہا السلام .
- صراط النجاة آیت اللہ تبریزی ج ۱۲ چاپ اول ۱۴۲۹ ق چاپ شریعت نشر دارالصدیقة الشہیدہ علیہا السلام .
- کافی ، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب الکلبینی رحمۃ اللہ علیہ چاپ ششم زمستان ۱۳۷۴ سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد .
- مفاتیح الجنان ، حاج شیخ عباس قمی رحمۃ اللہ علیہ چاپ چہاردهم ۱۳۸۰ انتشارات آستان قدس رضوی .
- مجلہ مکتب وحی سال اول شمارہ سوم بہمن ۱۳۸۶ .

نشریہ پیام دین

- موضوع : حضرت ابوطالب ج ۱
تاریخ تألیف : اسفند ماہ ۱۳۸۶
تاریخ بازمینی : خرداد ۱۳۹۹
مدیر مسئول : علی صادقی موحد
صاحب امتیاز : احمد سعید کریمی
طرح جلد : مجید علی پور